

از: دکتر قاسم انصاری رنانی

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران و علامه طباطبائی

استراتژی برای بقا

نیروهای استکباری همیشه تلاش دارند تا خود را بزرگ جلوه داده و دیگران را کوچک و خفیف نشان دهند و در لابلای تحقیقات و پژوهشهای خود نیز این قضیه را القاء کنند. با این حال شناخت استراتژی و برنامه ریزیهای دیگران به ما کمک خواهد کرد تا ضمن بیداری و هوشیاری، تلاش کنیم تا بر اساس قانون الهی که قانون همیشگی تاریخ است برای بقاء همه انسانهای شریف برنامه ای عملی داشته باشیم، در این راستا تلاش کنیم و دیگران را نیز نسبت به آن آگاهی دهیم. مطمئناً اگر خدا را یاری کنیم، خداوند نیز ما را یاری خواهد کرد و قدمهایمان را استوار خواهد نمود.

اطلاعات و آمار نشان می‌دهد که بیش از ۲۵۰ سال به عمر منابع باقی نمانده است. ضمن اینکه هزینه استفاده از منابع باقیمانده نیز بسیار افزایش یافته است.

برای خودشان فراهم آورند؟
مهمترین و ریشه‌ای‌ترین سؤال این است که آیا آنان اصلاً آرزوی داشتن چنین دنیایی را دارند؟!

فصلهای کتاب به بررسی مدلها و نظریات ذکر شده در رابطه با عوامل پنجگانه می‌پردازد. و سعی در پیدا کردن مدلی جامع دارد و ضمن تجزیه و تحلیل اطلاعات کامپیوتری با استفاده از روشهای خاص به پیش‌بینی آینده می‌پردازد. فاصله زمانی مورد بررسی در این پژوهش بین سال ۱۹۰۰ تا ۲۱۰۰ میلادی است و همه بررسیها علی‌رغم استفاده از همه ترندها و راه‌حلهای حاکی از یک فروپاشیدگی کلی در سال ۲۱۰۰ می‌باشد. در پایان کتاب با تقسیم‌بندی کشورهای جهان براساس ویژگیهای خاص ظاهراً بدون نتیجه‌گیری نهایی مطلب را به پایان می‌رساند. اگر چه بر هر اهل نظری روشن است که اندر پس این پرده نمایش، چه استراتژی خاصی برای بقاء به اصطلاح کشورهای متمدن اتخاذ گردیده است.

فصل اول کتاب اشاره‌ای دارد به افزایش درحد انفجار جمعیت و تولیدات صنعتی از ابتدای انقلاب صنعتی و اینکه چه تأثیری در ایجاد بحران کنونی داشته است. رشد روزافزون جمعیت شهری در کنار افزایش بی‌رویه تولیدات صنعتی، وضع بد جامعه کنونی را بوجود آورده است.

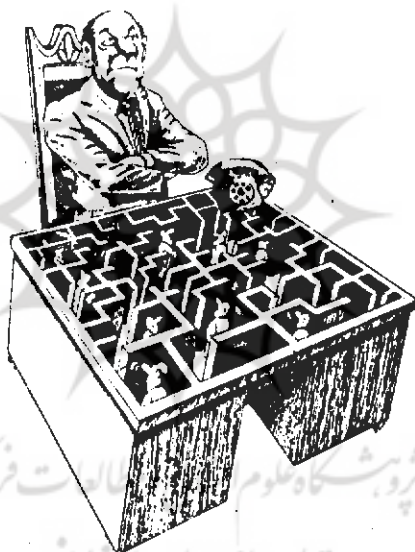
در سال ۱۹۷۲ کلوب رم درباره "ایجاد محدودیت بر سر راه رشد" می‌نویسد: امروزه بیش از گذشته انسان به ادامه سرعت بخشیدن به افزایش جمعیت هر چه بیشتر زمین، افزایش تولید، مصرف، ضایعات و غیره می‌پردازد.

در فصل دوم به تشریح رشد نمائی (رشد توانی و تصاعد هندسی) در مورد افزایش جمعیت در مقایسه با رشد حسابی (تصاعد حسابی) در مورد افزایش مواد غذایی می‌پردازد و ناکافی بودن آن را در مقابل افزایش جمعیت نشان می‌دهد. در این زمینه برای نشان دادن اهمیت موضوع به ذکر مثال زیر می‌پردازد.

"چارلز داروین" حدود یک قرن پیش محاسبه کرده بود که یک جفت فیل نر و ماده پس از ۳۱ سال که به سن تولید می‌رسند و هر بار یک بچه فیل خواهند داشت در طول عمر خود که حدود ۱۰۰ سال است مجموعاً ۶ جفت فیل تولید خواهند کرد. اگر چنین حرکتی بدون تغییر و بدون دخالت عوامل دیگر ادامه یابد، پس از ۷۵۰ سال تعداد آنان به ۱۹ میلیون فیل خواهد رسید.

- پستل^۵ پنج عامل قابل کنترل و مهم در بقاء زندگی بشری را با توجه به اطلاعات و واقعتهای موجود و حدسه‌های علمی در مورد آینده هر یک، را بطور مجزا و اثرات آنها را بر روی یکدیگر مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌دهد. این پنج عامل عبارتند از:

- *- جمعیت
 - *- آلودگی‌ها
 - *- منابع اولیه (بویژه سوخت)
 - *- تولیدات صنعتی
 - *- مواد غذایی
- "بوگی" در مقدمه این کتاب، ضمن آرزوی



پائین آمدن نرخ بهره و بیکاری، بالا رفتن فروش بیشتر اتومبیل و سهام کارخانجات، پیش‌بینی قطعی و امیدوارکننده در پایین آمدن قیمت نفت و شکست تصمیمات اوپک و یافتن راه‌حل اصولی برای مشکلاتی چون فقر، آلودگی محیط زیست، جنایت و سایر مسایل مبتلا به زندگی صنعتی برای شهروندان آمریکایی، توجه خوانندگان را به این سئوالات استراتژیک جلب می‌کند.

- نهایتاً ما از چه دنیایی سر بر خواهیم آورد؟ (اشاره به یک آینده مبهم و تاریک).
این دنیا برای کسانی که هنوز دور از فرارانیها و وفور امکانات زندگی می‌کنند چگونه است؟
آیا آنها نیز می‌توانند دنیایی این چنین راحت

در دهه ۱۹۷۰ میلادی کتابی تحت عنوان "استراتژی برای بقاء" در کشور آمریکا به وسیله "آرتور - اس - بوگی"^۲ نوشته شد که بین استراتژی و سیاست کلی آمریکا در برخورد با سایر کشورها و تعیین نوع و نحوه ارتباط تجاری، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی با آنها بود. شاید بتوان در یک کلام کوتاه گفت که نویسنده این کتاب، بقاء کشور یا جامعه خود را در "رها کردن" کشورهای از نظر اقتصادی ضعیف شده و در نتیجه انهدام تدریجی آنان طراحی نموده است. نگاهی به جنگهای خانمانسوز و کشتارهای بی‌رحمانه مردم مظلوم در گوشه، گوشه جهان گواه آن است.

در مقاله‌ای که هم اکنون آن را مطالعه می‌فرمائید، سعی شده است. ابتدا خلاصه‌ای از کتاب استراتژی برای بقاء بدون دخل و تصرف

در محتوای آن و سپس نقطه‌نظراتی درخصوص آنسوی استراتژی برای بقاء ارائه گردد.

با توکل بر خداوند تعالی و با پشتوانه بینش، دانش و تلاش همه جانبه باید گفت که "مشکلی نیست که آسان نشود".

وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ

در این کتاب با استفاده از تکنولوژی پیشرفته کامپیوتری، از نظرات "مالتوس"^۳ کشیش انگلیسی در مورد مقایسه رشد جمعیت براساس تصاعد هندسی و رشد مواد غذایی براساس تصاعد عددی و اینکه هر ۲۵ سال یک بار جمعیت جهان دوبرابر می‌شود استفاده می‌گردد. وی توصیه می‌کند که "فقر! این حق را ندارند که مورد حمایت قرار گیرند" و لذا خواستار لغو قانون فقر می‌شود، چرا که به زعم وی این قانون غیرموثر و حتی مضر بوده و سبب تشویق رویه‌ها و رفتارهای نسنجیده و پیش‌بینی نشده می‌گردد و تنها اثرش وخیمتر کردن اوضاع بود. اگر چه وی به شدت از طریق معتقدین به عدالت اجتماعی مورد انتقاد قرار می‌گیرد، ولی نظرات وی شدیداً مورد توجه و استفاده دولت انگلیس در جهت پیش‌بینی مشکلات آتی این کشور و بعدها نیز در سایر کشورها قرار می‌گیرد. همچنین با استفاده از مدل‌های جهان ۱ و جهان ۲ "فورستر - میدوز"^۴ و مدل سیستمی "میزارویک

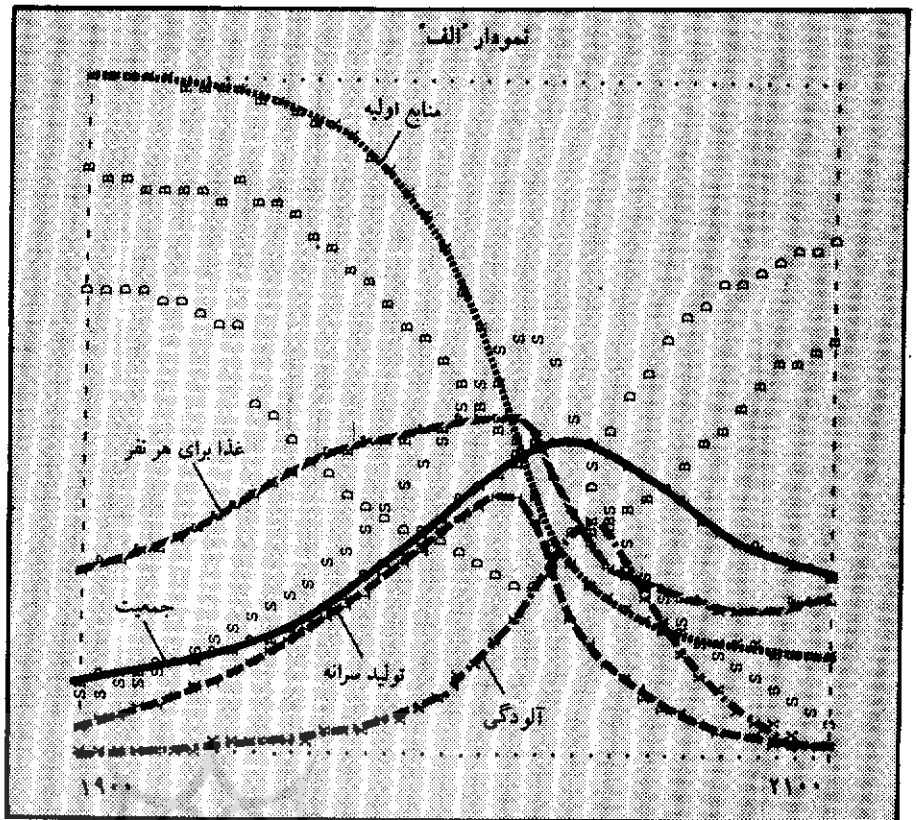
دهند که هر دو تولیدکننده آلودگیهای جدیدی به خصوص آلودگی آب و محیط زیست می‌باشند که به تبع آن بروز بیماریهای مختلف انسانی، دامی و گیاهی را به دنبال خواهد داشت. و به این شکل میزان انواع مختلف آلودگی افزایش پیدا می‌کند.

در فصل پنجم، ضمن تشریح چگونگی ساخت مدل با استفاده از تغییرات مختلف در پنج عامل ذکر شده و تعامل بین آنها می‌پردازد و نهایتاً به این نتیجه می‌رسد که چنانچه همه عوامل به همین وضع پیش بروند در سال ۲۰۰۰ یک از هم پاشیدگی عمومی خواهیم داشت. (به نمودار "الف" توجه کنید).

فرض بر این است که اگر هیچ تغییر اساسی در اقتصاد، عوامل مادی و عامل اجتماعی بین سالهای ۱۹۰۰ تا ۱۹۷۰ داده نشود، میزان غذا، تولیدات صنعتی و جمعیت به صورت نمایی افزایش می‌یابند تا اینکه با توجه به کاهش فراوان منابع و سوخت در رشد همه عوامل در سال ۲۰۰۰ یکباره یک سقوط و از هم پاشیدگی مشاهده می‌گردد. میزان غذای سرانه بطور وحشتناکی کاهش می‌یابد و به دلیل مرگ و میر

ناشی از کمبود غذا، افزایش آلودگیها و کاهش خدمات پزشکی، میزان جمعیت نیز کاهش می‌یابد.

در فصل ششم، احتمال ادامه حیات و حفظ



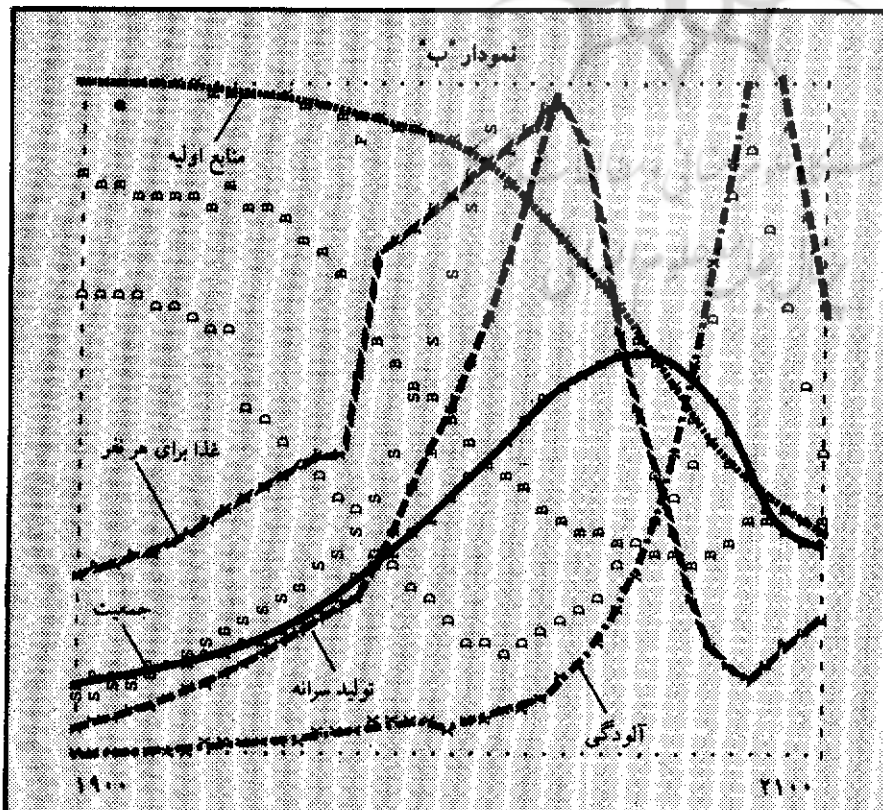
افزایش آن نیز موجب افزودن بر انواع آلودگی است و همچنین این میزان جمعیت به غذای بیشتری نیز نیاز دارند. بنابراین زمین بیشتری باید زیر کشت برود و یا به وسیله کود شیمیائی و استفاده از سموم مختلف بهره‌دهی آن را افزایش

بنابراین با توجه به سن باروری پایین‌تر انسان اگر کنترلی صورت نگیرد، افزایش جمعیت بسیار سریع گردیده و هر راه‌حلی برای تهیه غذا، امور رفاهی و سایر امکانات لازم برای انسان را غیرممکن می‌سازد.

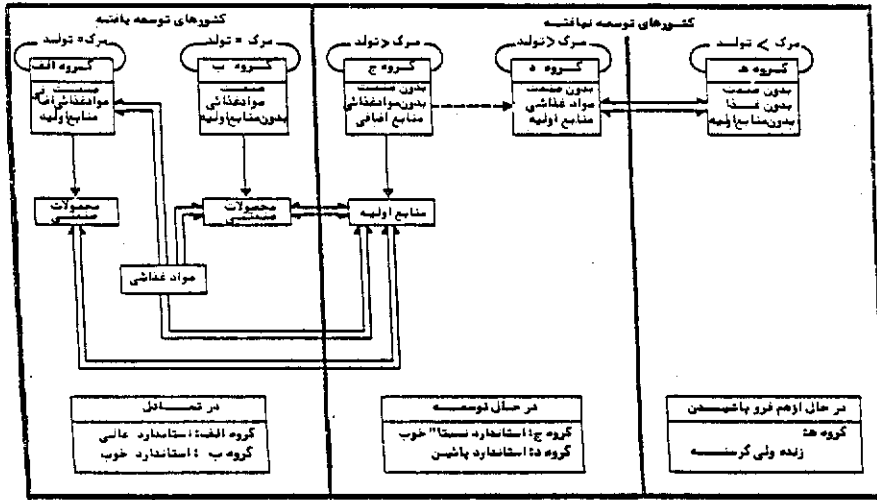
در فصل سوم، ضمن بررسی دقیقتر رشد نمایی جمعیت در مقابل رشد حسابی مواد غذایی و محدودیتهای مختلف مربوط به غذا، تولیدات صنعتی، سوخت، ذخایر معدنی و همچنین آلودگیهای مختلف مثل آلودگی هوا، آب، محیط، سر و صدا و... به این نکته اشاره می‌کند که از حدود سالهای ۱۹۶۰ به بعد یک کاهش همه جانبه در میزان مواد اولیه در سطح جهان بوجود آمده است که این امر به دلیل مصرف بیش از اندازه آن است و اضافه می‌کند که اگر چه مرگهای ناشی از گرسنگی نیز در برخی از کشورها دیده می‌شود ولی این بیشتر جنبه اقتصادی و سیاسی دارد تا جنبه صرفاً تولید مواد غذایی، زیرا در حال حاضر دنیا قادر است غذای بیش از این جمعیت را نیز تهیه کند.

در فصل چهارم، تغییرات عوامل پنجگانه و اثرات تعاملی آنها با یکدیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بطور مثال، با افزایش جمعیت، نیاز به تولیدات سرانه نیز افزایش می‌یابد که خود عامل ایجاد انواع مختلف آلودگی است. جمعیت و



جدول شماره یک
مدل طبقه‌بندی کشورهای مختلف چسبان

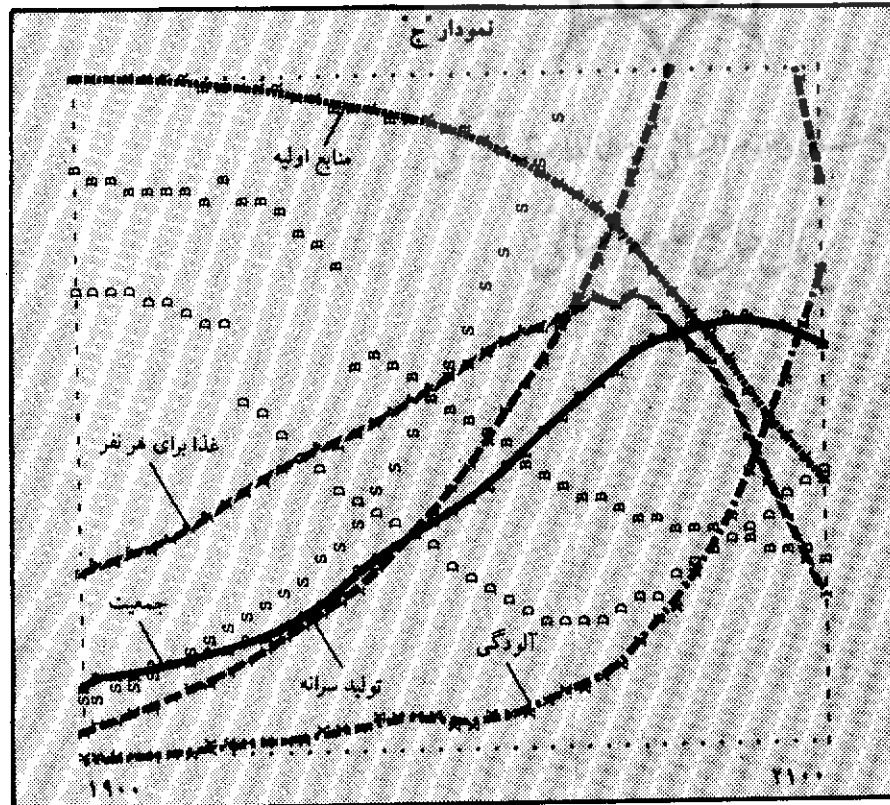


هلند، بلژیک، ایتالیا، سوئیس، پرتغال و دانمارک هستند.

از ویژگی این کشورها، ثابت بودن جمعیت آنهاست و برای بدست آوردن مواد غذایی، نیاز به صادر کردن تولیدات صنعتی دارند.

گروه‌بندی کشورهای توسعه نیافته

گروه ج: اکثراً کشورهایی را تشکیل می‌دهند که منابع سوخت فوق‌العاده‌ای اضافه بر نیاز خود دارند. از جمله: عربستان سعودی، ایران



جای می‌گیرند.

گروه‌بندی کشورهای توسعه یافته صنعتی

گروه الف: این گروه شامل دو قدرت بزرگ و جهانی آمریکا و شوروی و برخی کشورهای کوچک اقتصادی از جمله: کانادا، استرالیا، سوئد و نروژ می‌باشند.

گروه ب: این کشورها شامل: انگلیس،

بقا نظام جهانی با استفاده از نوآوریها، ابتکارات جدید، معرفی منابع ناشناخته مثل سوختهای جدید هسته‌ای و استفاده از تکنولوژی پیشرفته مورد بررسی قرار می‌گیرد. علی‌رغم بکارگیری شیوه‌های مختلف تولید انواع مختلف و جدید غذا و سوخت و افزایش کارایی تولید و بکارگیری و مصرف آنها نهایتاً سقوط را از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۵۰ به تعویق می‌اندازد. اطلاعات و آمار نشان می‌دهد که بیش از ۲۵۰ سال به عمر منابع باقی نمانده است. ضمن اینکه هزینه استفاده از منابع باقیمانده نیز بسیار افزایش یافته است. (به نمودار "ب" نگاه کنید).

در فصل هفتم، سیاست کاهش رشد جمعیت در سطح جهانی بطور فراگیر مورد توجه قرار می‌گیرد و روشهای مختلف جلوگیری از افزایش سریع جمعیت با کاهش نرخ رشد جمعیت توصیه می‌شود. در مدل جهان ۳ حتی با فرض اینکه رشد جمعیت صفر شود و جمعیت جهانی ثابت بماند، ملاحظه می‌شود که باز در سال ۲۰۵۰ یک فروپاشیدگی کلی در سایر عوامل بوجود خواهد آمد. و چنانچه فرض را بر نامحدود بودن منابع اولیه شامل سوخت، تحت کنترل بودن آلودگیها و ثابت بودن میزان جمعیت بگیریم، نهایتاً در سال ۲۱۰۰ یک از هم فروپاشیدگی جهانی را خواهیم داشت. (به نمودار "ج" نگاه کنید).

در فصل هشتم، نیز علی‌رغم اینکه فرض بر کنترل‌های مناسب اجتماعی بوده است سیاستهای تکنولوژیکی، کنترل جمعیت، مبارزه با آلودگی و جلوگیری از افزایش آن، جلوگیری از افزایش سهمیه سرانه تولیدات صنعتی و حفظ تعادل در سهمیه غذا برای هر نفر، باز به دلیل کاهش سریع منابع اولیه و سوخت نهایتاً در سال ۲۱۰۰ این از هم فروپاشیدگی را در تجزیه و تحلیل اطلاعات کامپیوتری مشاهده می‌نماییم.

در فصل نهم، به جای ارائه یک استراتژی جهانی برای مقابله با این از هم فروپاشیدگی، به ارائه یک سیستم ناحیه‌ای می‌پردازد. براساس سه عامل: صنعت، مواد غذایی و منابع اولیه، کشورهای جهان به دو بخش عمده ملتهای توسعه یافته صنعتی و ملتهای به اصطلاح توسعه نیافته و سپس بخش اول به دو زیر مجموعه و بخش دوم به سه زیر مجموعه به شکل و شرح زیر طبقه‌بندی می‌گردند. (جدول شماره ۱).

با توجه به این تقسیم‌بندی ناحیه‌ای، برخی از کشورها بعنوان نمونه و با توجه به دارا بودن و یا نبودن شرایط سه گانه در گروههای پنجگانه

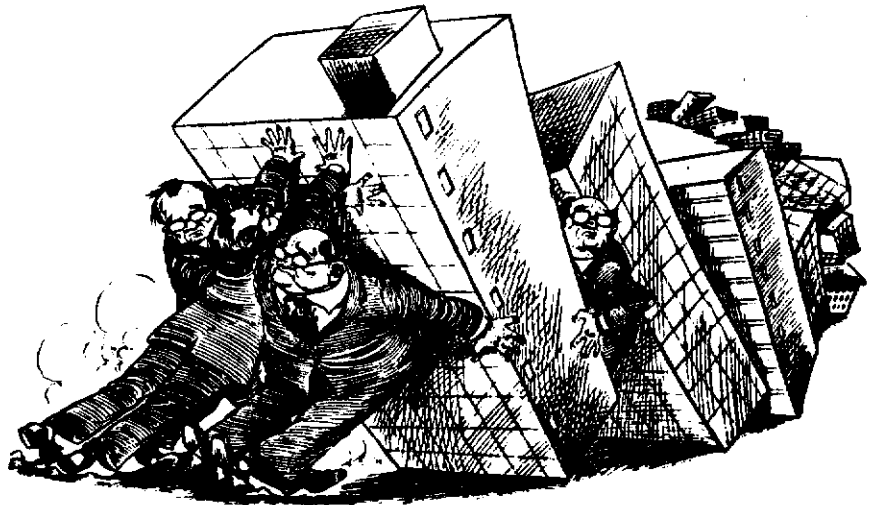
- عوامل مهم قابل کنترل و مهم در بقاء زندگی بشری شامل جمعیت، آلودگیها، منابع اولیه (بویژه سوخت)، تولیدات صنعتی و مواد غذایی می شود.

را راه حل اصلی برای ارتقاء گروه پنجم به سطح سایر گروهها معرفی می کند و گرنه باید منتظر یک مرگ تدریجی و حذف از سیستم اجتماعی باشند و با این پیشنهاد مطالب کتاب ظاهراً پایان می یابد.

- آنسوی استراتژی برای بقاء

به طور خلاصه بومی در این مقاله با استفاده از آمار و اطلاعات مربوط به تغییرات پنج عامل جمعیت، آلودگیها، منابع اولیه (بویژه انرژی)، تولیدات صنعتی و مواد غذایی در سطح جهان و ارائه این اطلاعات به کامپیوتر و استفاده از مدلهای مناسب کامپیوتری به این نتیجه می رسد که در سال ۲۰۵۰ یعنی حدود ۵۶ سال دیگر، جهان مواجه با یک سقوط همه جانبه خواهد

شد. در ارائه این پژوهش تمام راه حلهای ممکن در جلوگیری از این سقوط در نظر گرفته می شود و مشاهده می گردد که علیرغم استفاده از همه این راه حلها به بهترین نحو، نهایتاً این سقوط همه جانبه در جهان به سال ۲۱۰۰ یعنی حدود یک قرن دیگر منتقل خواهد شد ولی براساس عوامل بکار گرفته شده در این پژوهش قطعی و حتمی عنوان می شود. پس از کسب این نتیجه، کشورهای مختلف جهان را به دو بخش توسعه یافته و توسعه نیافته و اولی را به دو گروه و کشورهای دوم را به سه گروه تقسیم می کند و



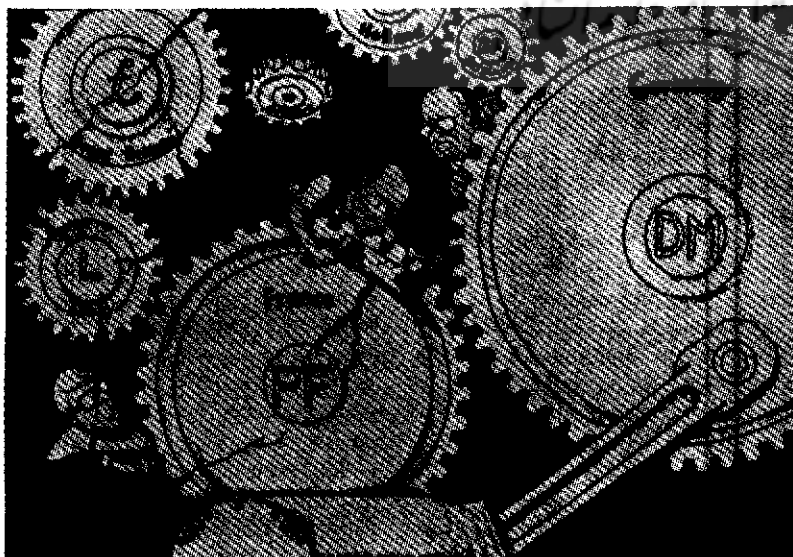
کتاب با ارائه این مدل ملی با مقداری توضیح در مورد چگونگی ارتقاء سطح کیفی گروه "ه" به سایر گروهها و اینکه "معمولاً هرکس در همان نوع خانواده و زندگی که در آن متولد شده است باقی می ماند"، اضافه می کند که برخی از کارهای خلاف که افراد در گروههای ۳ و ۴ و ۵ انجام می دهند، شامل راهزنی، سرقت مسلحانه، اخاذی و بچه دزدی بوده و افراد در گروههای ۱ و ۲ نیز به پاره ای از کارهای ممنوعه دست می زنند که شامل اختلاس، حیف و میل اموال، جعل اسناد، رشوه خواری و رشوه دهی و کلاهبرداری است که اگر چه همه خلاف هستند ولی ماهیت آنها متفاوت است. آموزش اجباری

و بیش از ۱۱ کشور نفت خیز جهان شامل کشورهای نیجریه و ونزوئلا.

گروه د: بیش از نیمی از مردم دنیا در این گروه زندگی می کنند. از آن جمله اند: مردم چین، مکزیک، برونیدی و کاستاریکا. سطح زندگی در این گروه از کشورها پایین است و اکثراً از طریق کشاورزی زندگی می کنند و تقلاً دارند تا خود را به کشورهای صنعتی و زندگی صنعتی نزدیک کنند ولی افزایش جمعیت، آنها را به سمت گروه "ه" سوق می دهد.

گروه ه: این گروه کشورها در واقع کشورهای دچار بلا شده هستند. این کشورها شامل هند، بنگلادش، کشورهای کوچک آفریقایی و آمریکای جنوبی می باشند که در حدود ۱۲ کشور را تشکیل می دهند. برخی از آنان در حال حاضر بخاطر گرسنگی در واقع با مرگ دست به گریبانند.

با تعیین شرایط کشورهای مختلف و طبقه بندی آنها، در فصل دهم "بومی"، مردم آمریکا را با استفاده از نتایج مدل قبلی به پنج گروه مختلف دسته بندی می کند و معتقد است که گروه پنجم مردم آمریکا در این طبقه بندی نیز مانند گروه "ه" از طبقه بندی کشورهای جهان، در حال اضمحلال و از هم فرو پاشیدن است. سپس ضمن ارائه مدلی به توضیح اجزاء آن می پردازد. مبنای تقسیم بندی افراد در این پنج گروه سه عامل کار (شغل)، اعتبار و پس انداز یا سرمایه گذاری پس اندازهاست.



همین دلیل از کنترل خارج شده است. بسیاری از کمپانی‌های معظم ژاپنی برای اولین بار ضرر داده‌اند و برای اقتصادی کردن فعالیتها به ناچار دستمزدها را کاهش داده و اضافه کاری و مزایای کارکنان خود را قطع کرده‌اند.

۴- فرانسوا میتران، رئیس جمهوری فرانسه طی مصاحبه‌ای مطبوعاتی می‌گوید: رهبران کشورهای صنعتی در اجلاس توکیو توجه بسیار کمی به مشکلات جهان سوم ابراز داشتند. وی افزود: کشورهای غنی بیش از آنچه به کشورهای فقیر می‌دهند، از آنها می‌گیرند و از نظر من این شرم‌آور است و... ادامه داد: اوضاع انفجارآمیز در جهان سوم خطرناک‌تر از تهدید هسته‌ای است و ما بخوبی از آن آگاهیم.

و این سؤال باقی می‌ماند که برای کشورهای توسعه نیافته صنعتی، در مقابل این همه مشکلات گوناگون و دسیسه‌های رنگارنگ "چه باید کرد"؟

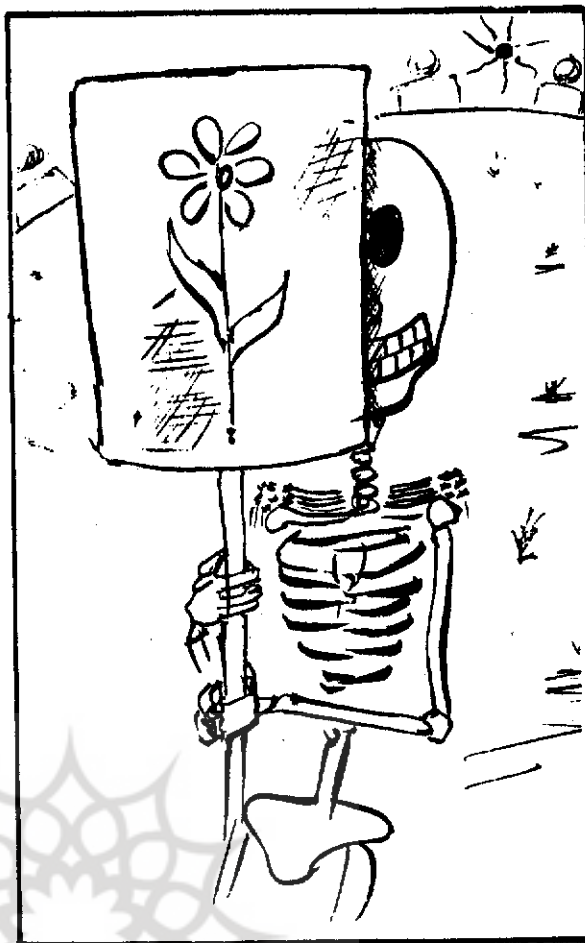
۱- ان تنضالله بنصرکم ویشبت اقدامکم.
2-Arthur S. Boughey, Strategy for Survival, W.A. Benjamin, Inc., California, 1976

۳- مالتوس، کشیش انگلیسی در سال ۱۷۶۶ میلادی (۱۱۴۵ هجری شمسی) متولد شد و به سبب انتشار کتابش تحت عنوان

Essay on the principle of Population/
7th ed. London J.M. Dent and Sons Ltd.
1816. مشهور گشت.

4-Forrester - meadows world 1 and world 2 Models

5- Measarovic - Pestel Model



این دنیا برای کسانی که هنوز دور از فراوانیها و وفور امکانات زندگی می‌کنند چگونه است؟

درخصوص مسائل مختلف راه‌حل گرسنگی جهان سوم و تخریب محیط زیست و غیره می‌گوید: ما "کشورهای متمدن" باید برای آن زندگی کنیم که زندگی نوه‌هایمان آسوده‌تر از ما باشد.

۲- "گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۳ می‌گوید ۹۰ درصد مردم جهان فاقد کنترل روی زندگی خویش هستند، این گزارش می‌گوید: سفیدپوستان آمریکا در شاخص توسعه انسانی در رده اول قرار دارند، درحالی که جمعیت سیاهپوستان و اسپانیایی تبارهای آمریکا در رده مردم کشورهای در حال توسعه قرار می‌گیرند.

۳- جهان با بحرانی‌ترین وضعیت اقتصادی بعد از جنگ جهانی دوم روبروست. رکود جهانی فعلی گرچه در همه نقاط به یک اندازه عمق نیافته اما به طرز استثنائی وسیع است و به

تلاش غرب بر این است که کشورهای دیگر را به گروه آخر یعنی گروه پنجم سقوط دهد. به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که مقاله به دنبال اهداف زیر است:

- ۱- شناخت خطر
- ۲- تلاش برای رفع خطر
- ۳- بررسی تاکتیک‌های مبارزه
- ۴- انتقال هیولای "سقوط جهانی" به کشورهای توسعه نیافته
- ۵- آزاد و رها کردن به سبک غرب و آمریکا

در اینجا برای روشن شدن آنسوی استراتژی برای بقاء به مواردی اشاره می‌کنم:

۱- در فروردین ۱۳۷۱ خبرنگار مجله اشپینگل با پوپر نظریه‌پرداز دنیای سرمایه‌داری مصاحبه‌ای دارد که در پایان این مصاحبه

